

## درست نویسی (۱)

سازمان‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی همواره با نوشتن سرو کار دارند و می‌بینیم که بسیاری از اصول نوشتاری در پیچ و خم مکاتبات اداری تحریف و یا حتی به صورت واژگون مصطلح شده است و بدتر از آن، از کلمه‌هایی استفاده می‌شود که در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی معادل درست آن معرفی شده است. با تکیه بر رسالت روابط عمومی‌ها در زمینه تصحیح امور نوشتاری و ترویج استفاده از واژه‌های درست و به ویژه فارسی، سعی بر آن داریم با استفاده از منابع معتبر در چند بخش به آموزش درست نویسی بپردازیم.



## بخش اول: رعایت برخی از ادوات، پیشوندها و پسوندها

### • رعایت همزه در کلمات

می‌نویسند دوّمأ، سوّمأ، ... که غلط است و باید به جای آنها از کلمات عربی شان، ثانیاً، ثالثاً، ... استفاده شود، ولی بهتر است به جای آنها از کلمات فارسی استفاده کنیم و بنویسیم: یکم، دوّم، سوّم، ...

➤ همزه پایانی کلمات مأخوذه از عربی در بالای «الف» قرار می‌گیرد؛ مثال:

بنویسیم	ننویسیم
خلاء	خلاء
منشأ	منشاء

غیر از این مورد، همه جا به صورت «ء» نوشته می‌شود؛ مثل:  
جزء، سوء، شیء

➤ همزه این دسته از کلمات هنگام چسبیدن به «ی» نسبت یا وحدت، به ثورت «ئ» نوشته می‌شود و باید توجه داشت که از گذاشتن کسره زیر آن خودداری کرد.

بنویسیم	ننویسیم
جزئی	جزای
شیئی	شی‌ای
سوئی	سوای

➤ همزه پایانی پس از مصوّت بلند «ا» معمولاً حذف می‌شود (به استثنای چند مورد که واژه عربی آنها رواج بیشتری دارد؛ مثل: لقاءالله)

بنویسیم	ننویسیم
ابتدا	ابتداء
انشا	انشاء
انقضا	انقضاء
امضا	امضاء
وزرا	وزراء

این گونه کلمات و امثال آن اگر به دنبال کلمه‌ای بیایند (به کلمه‌ای اضافه شوند): همزه پایانی به «ی» تبدیل می‌شود. مثال: **املای فارسی، امضای خوانا، انقضای مدّت، وزرای دولت، اطّیای ماهر.** نوشتن این گونه عبارات به صورت املاء فارسی، امضاء خوانا، انقضای مدّت و ... غلط است.

衍 یادآوری: چنانکه کلمه‌ای به عربی باشد و مشابه آن در فارسی با معنای متفاوت عربی آن وجود داشته باشد، حذف همزه در کلمه عربی جایز نیست. مثال:

بها = قیمت، کلمه فارسی است و بدون همزه نوشته می‌شود.

بهاء = روشنائی و فروغ، کلمه عربی است و با همزه نوشته می‌شود.

➤ همزه در فارسی، هرگز در میان یا پایان کلمه قرار نمی‌گیرد. بنابراین، آنچه در میان کلمه‌های فارسی به ظاهر همزه تلفّظ می‌شود، در حقیقت «ی» است باید به صورت «ی» نوشته شود، (جز در مورد کلمه زائو).

بنویسیم	نویسیم
آیین	آئین
آینه	آئینه
پاییز	پائیز
پایین	پائین
رویدن	روئیدن
بفرماید	بفرمائید
تأید	تأید
روشایی	روشائی

همزه میانی در کلمه‌های مأخوذه از عربی یا زبان‌های بیگانه دیگر، پس از مصوّت کوتاه «اَ» (a) به صورت «أ» نوشته می‌شود؛ مثل: رأس، مأنوس، مأوا، تأثیر، تألیف، تأدیب. در صورتی که پس از مصوّت کوتاه «اَ» (a)، حرف «آ» (همزه و مصوت بلند a) بیاید، به شکل «آ» نوشته می‌شود. مثال: منشآت، مأخذ، مأب

همزه میانی در کلمه‌های مأخوذ از عربی، یا زبان‌های بیگانه دیگر، پس از مصوت کوتاه «اُ» (O) به صورت «ؤ» نوشته می‌شود؛ مثل: مؤمن، رؤیت، مؤذن، مؤنث، مؤسس، مؤدّب، سؤال. غیر از موارد فوق، همه جا به صورت «ئ» نوشته می‌شود.

بنویسیم	نویسیم
مسئله	مسأله
جرت	جرات
دنائت	دنائت

□ یادآوری: در مورد واژه‌های **هیأت و هیئت** برخی صاحب نظران می‌گویند: هیئت را باید به معنای نجوم و ستاره‌شناسی و هیأت را به معنای جمع و گروه استفاده کرد؛ مثال:

در سده‌های پیشین هیئت و نجوم از علوم پیشرفته بود.

هیأت تحریریّه نشریه، هر دوشنبه بعد از ظهر تشکیل می‌شود.

– در مواردی که همزه میانی پیش از مصوّت کوتاه «اَ» (e) یا پس از آن بیاید، همزه تبدیل به «ئ» می‌شود، مثال:

ائتلاف، تبرئه، لئام، تتار، سنّانس، رئالیس، مسائل، مصائب، قائل، ارائه، ملائکه، کائنات، سوئد، سوئز، رافائل، ژوئن،

- در صورتی که همزه میانی، پیش از مصوت بلند «او» (U) یا پیش از مصوت کوتاه «ئ» (O) بیاید، بتدیل به «ئ» می‌شود. مثال: شئون، رئوف، مسئول، مرئوس، کاکائو، سئول (پایتخت کره جنوبی)، لائوس، ناپلئون.

## • رعایت «ب» پیشوند

➤ «به» حرف اضافه، همیشه جدا از کلمه بعد نوشته می‌شود.

نویسیم	بنویسیم
باو	به او
جابجا	جا به جا
بویره	به ویژه
روبرو	رو به رو
بطوریکه	به طوری که
یک بیک	یک به یک
بگلی	به گلی
بوجود	به وجود
بسوی	به سوی

➤ در موارد نادری که «به» بر سر اسم می‌آید و آن را صفت می‌کند، با کلمه بعدی سر هم نوشته می‌شود.

نویسیم	بنویسیم
به جز	بجز
به هوش	بهوش به معنی هوشیار
به سزا	بسزا
به ناچار (مجبور)	بناچار

➤ «ب» (جزء پیشین فعل) پیوسته به فعل نوشته می‌شود؛ مثال:

نویسیم	بنویسیم
به بینم	بینم
به آر	بیار
به نشستی	بنشستی

➤ هنگامی که فعل با حرف «آ» آغاز شود، با پیوستن «ب» بر سر آن، علامت مد «—» از روی «آ» حذف می‌شود و صامت میانجی «ب» میان «ب» و «آ» می‌آید.

نویسیم	بنویسیم
ب آموز / بیاموز	بیاموز

➤ هنگامی که فعل با حرف «ا» (الف بی‌مد) آغاز شود و حرف «ب» بر سر آن بیاید، حرف «ا» حذف می‌شود و به جای آن صامت میانجی «ب» آورده می‌شود:

## ➤ کسرهٔ اضافه

کسرهٔ اضافه در حقیقت مصوّت کوتاه «ب» (e) است که میان مضاف و مضاف‌الیه یا میان موصوف و صفت قرار می‌گیرد؛ مثال:

دیوار باغ (مضاف و مضاف‌الیه)

دیوار بلند (موصوف و صفت)

اگر کسره اضافه بعد از کلمه‌ای که مختوم به صامت است، بیاید در نوشتار علامت خاصی ندارد، (و اگر حیثاً علامت خاصی داشته باشد، علامت «زیر» (کسره) می‌گذاریم)

اگر کسرهٔ اضافی بعد از کلمه‌ای بیاید که مختوم به مصوت «آ» (a) و «او» (U) باشد، بعد از آن کلمه، صامت میانجی «ی» می‌آید. مثال:

خدا + مهربان ⇨ خدای مهربان

آهو + دشت ⇨ آهوی دشت

کسرهٔ اضافی بعد از مصوّت «ی» در گفتار، صامت میانجی «ی» می‌آید، ولی در نوشتار، علامتی نمی‌گیرد:

کشتی + بزرگ ⇨ کشتی بزرگ

ماهی + دریا ⇨ ماهی دریا

کسره اضافه بعد از «ه» غیرملفوظ که در حقیقت جانشین مصوّت است، در گفتار، صامت میانجی «ی» می‌آید و در نوشتار همزه در بالای «ه» نوشته می‌شود. مثال:

خواننده + روزنامه ⇨ خوانندهٔ روزنامه

جامه + سیاه ⇨ جامهٔ سیاه

بعد از مصدر مرکّب «أو» (OW) در گفتار، صامت میانجی «و» (V) می‌آید، ولی در نوشتار، علامتی نمی‌گیرد. مثال:

راهرو + باریک ⇨ راهرو باریک

خسرو + خوبان ⇨ خسرو خوبان

لذا:

➤ «ة»

حرف «ة» در بسیاری از کلمه‌های فارسی به صورت «ت» تلفظ می‌شود و باید به شکل «ت» نوشته شود؛ مثل: مساعدت، مباحثات، زکات، حیات، صلوات، قضات، دعوات، همچنین است ترکیب‌هایی مانند: نعمت الله، رحمت الله

حرف «ة» در بعضی از ترکیب‌ها و عبارات‌های عربی متداول در فارسی، به همان صورت عربی نوشته می‌شود. به استثنای

**حجت الاسلام، مانند: ثقة الاسلام، دایرة المعارف، روضة الصفا، رحمة الله علیه، ليلة القدر**

➤ اگر کلمهٔ مختوم به «ه» غیر ملفوظ با «ان» جمع بسته شود، «ه» آن به «گ» تبدیل می‌شود.

بنویسیم	نویسیم
آزادگان	آزاده‌گان
خفتگان	خفته‌گان
تشنگان	تشنه‌گان

➤ اگر کلمهٔ مختوم به «ه» غیر ملفوظ همراه پسوند بیاید و یک کلمهٔ مرکب تشکیل بدهد، «ه» آن حذف نمی‌شود.

بنویسیم	نویسیم
علاقه‌مند	علاقمند
بهره‌مند	بهرمند
بهره‌ور	بهرور
دیده‌بان	دیدبان
جامه‌دان	جامدان

➤ کلمات فارسی مأخوذ از عربی که در گفتار «الف» مقصوره می‌گیرند، باید با «الف» نوشته شوند.

بنویسیم	نویسیم
مبتلا	مبتلی
اعلا	اعلی
تقوا	تقوی
اقصا	اقصی
منتها	منتهی
استثنا	استثنی

اسمهای خاص از این قاعده مستثنا هستند؛ مثل مصطفی، مرتضی، موسی، عیسی، یحیی، مجتبی. در صورتی که به دنبال این گونه اسمها، «ی» مصدری یا نسبت یا نکره بیاید، در این صورت به شکل زیر نوشته می‌شوند: مصطفایی، مرتضایی، مجتبیایی، ...

همچنین است در صورت مضاف واقع شدن این گونه اسمها. مثل: عیسانی مریم، یحیایی برمکی، موسایی کلیم.

\* اسمهای خاص مانند اسماعیل، رحمان، اسحاق و هارون که مأخوذ از عربی هستند، به همین شکل نوشته می‌شوند و نوشتن آنها به صورت اسمعیل، رحمن، اسحق و هرون غلط است.

➤ در اسمهای خاص، اگر «و» در میان کلمه‌ای تکرار شود و «او» تلفظ و شنیده شود، باید دوبار نوشته شود.

بنویسیم	نویسیم
کاووس	کاووس
داوود	داود
طاووس	طاوس